



جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی و درخشش فقه اهل بیت در قوانین مدنی کشورهای اسلامی

▲ دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
dr_biazar@islamicstudies.ac.ir

«بشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوالألباب؛ بشارت ده بندگانم را، کسانی که گفته‌ها را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و هم اینان خردمندان‌اند.» (۱)

فقه مقارن تداوم علم الخلاف یا علم الخلافیات یا علم المناظرات است که بنا به نقل فخر رازی در کتاب جامع العلوم، یکی از شصت علم متداول در حوزه‌های علمیه قدیم بوده است. (۲)

تعریف علم الخلاف

ابن خلدون در تعریف این علم می‌گوید: «میان پیروان مذاهب، مناظراتی روی می‌داد که مأخذ پیشوایان فقه و انگیزه‌های اختلاف و مواقع اجتهاد آنان بیان می‌شد؛ این گونه دانش را خلافیات می‌نامیدند.» (۳)

از آنجا که خداوند متعال انسانها را دعوت می‌نماید تا به سخنان یکدیگر گوش فرا دهند و آن گاه از بهترین سخن تبعیت و فرمانبرداری نمایند؛ لذا فقه مقارن



عاهده دار این امر خطیر و مسئولیت دشوار است؛ چرا که هدف از فقه مقارن یا علم الخلاف، این است که فقهای مذاهب اسلامی پس از اطلاع از اقوال و دیدگاههای یکدیگر به اتباع احسن بپردازند و از سویی دیگر آیین دیدگاههای یکدیگر باشند و نقاط ضعف و قوت را به یکدیگر منعکس نمایند و براین اساس، فقه همگام با زمان پیش‌رود و بسیاری از سوء تفاهات و دشمنیها که زاینده جهل به یکدیگر می‌باشند، از میان می‌رود.

هدف از تحریر این مقاله، این است که اهمیت و نقش فقه مقارن در راستای از بین بردن تعصبات و مسائل تفرقه‌انگیز بیان گردد و راههای وصول به وحدت و انسجام تبیین و تشریح گردد.



هدف علم الخلاف

هدف از این علم این است که فقه‌های مذاهب پس از اطلاع از همه اقوال به اتباع احسن بپردازند و از سویی آینه دیدگاه‌های یکدیگر باشند و نقاط ضعف و یا قوت را به یکدیگر منعکس نمایند و در نتیجه، فقه همگام با زمان پیش رود و بسیاری از سوء تفاهات و دشمنیها که زاییده جهل به یکدیگر می باشد، از میان برود.

علامه شاطبی متوفای ۷۹۰ معتقد بود: طلبه ای که خود را محصور در یک مذهب می سازد، چه بسا در او حالت تنفر و انکار نسبت به سایر مذاهب پیدا شود، اما وقتی به دلائل سایر فقها و مجتهدان آگاهی پیدا نمود، به این باور خواهد رسید که سایر پیشوایان فقهی دارای فضل و آگاهی از مقاصد شارع و فهم اهداف وی بوده اند. (۴)

تاریخ پیدایش علم الخلاف

این علم از انتهای قرن اول هجری به هنگام پیدایش اختلاف و جدل بین دو مکتب اهل رأی و اهل حدیث به وجود آمد. امام صادق (ع) به اختلاف آرای فقه‌های مدینه و شام و کوفه دانا بود و از پیامبر اکرم (ص) روایت می کرد که فرمود: «اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه؛ داناترین مردم کسی است که علم همه مردم را با علم خود جمع کند.» (۷) ابوحنیفه پیشوای حنفیان می گوید: فقیه تر از جعفر بن محمد ندیدم. آیا چنین نیست که دانشمندترین مردم عالم ترین آنها به اختلاف مردم است. (۸)

مهم ترین کتابهای خلاف

فقه‌های هر یک از مذاهب اسلامی در این علم به تحریر کتابهایی اقدام نمودند که به ذکر بعضی از این موارد می پردازیم:

۱. الحجة علی اهل المدینه، محمد بن حسن شیبانی (تولد ۱۸۹ ه. ق.)
۲. اسباب اختلاف الفقهاء، محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۳ ه. ق.)
۳. الاشراف علی مذهب العلماء، محمد بن ابراهیم ابن المنذر نیشابوری (تولد ۳۱۸ ق.)
۴. اختلاف الفقهاء، احمد بن محمد طحاوی (تولد ۳۲۱ ه. ق.)
۵. المسائل الناصریات، سید مرتضی از فقه‌های امامیه (تولد ۴۲۶ ه. ق.)
۶. الحاوی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی (تولد ۴۵۰ ه. ق.) (۹)
۷. الخلاف فی الاحکام، ابی جعفر محمد بن حسن طوسی (تولد ۴۶۰ ه. ق.)
۸. الموتلف من المختلف، ابوالفضل بن حسن طبرسی (تولد ۵۴۸ ه. ق.)
۹. بدایه المجتهد و نهایه المقصد، ابن رشد قرطبی (تولد ۵۹۵ ه. ق.)
۱۰. تذکره الفقهاء، جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف الحلی (تولد ۷۲۶ ه. ق.)
۱۱. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، علامه حلّی (تولد ۷۲۶ ه. ق.)
۱۲. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حلّی (تولد ۷۲۶ ه. ق.)

جدایی مذاهب فقهی از یکدیگر

از قرن هشتم هجری مذاهب فقهی شیعه و سنی بر اثر تعصبات ممالیک از یکدیگر جدا شدند و علم الخلاف رو به فراموشی گذاشته شد و جای

از قرن هشتم هجری مذاهب فقهی شیعه و سنی بر اثر تعصبات ممالیک از یکدیگر جدا شدند و علم الخلاف رو به فراموشی گذاشته شد و جای خود را به مطاعن و دشمنی و خصومت مذاهب با یکدیگر داد تا جایی که در تاریخ آمده است که وقتی شخصی حنفی مذهب بر حنبلی مذهبیان گیلان وارد می شد، وی را به نام کافر می کشتند و مالش را به نام «فی» تصاحب می کردند



علامه شاطبی متوفای ۷۹۰ معتقد بود: طلبه ای که خود را محصور در یک مذهب می سازد، چه بسا در او حالت تنفر و انکار نسبت به سایر مذاهب پیدا شود، اما وقتی به دلائل سایر فقها و مجتهدان آگاهی پیدا نمود، به این باور خواهد رسید که سایر پیشوایان فقهی دارای فضل و آگاهی از مقاصد شارع و فهم اهداف وی بوده اند





در قرن گذشته
بار دیگر فقه‌های
بزرگ مذاهب
اسلامی به ضرورت
علم الخلاف و فتح
باب اجتهاد پی
بردند و در مصر
و تونس و دمشق
و ایران به احیای
آن پرداختند و آن
را «فقه مقارن»
نامیدند

خود را به مطاعن و دشمنی و خصومت مذاهب با یکدیگر داد تا جایی که در تاریخ آمده است که وقتی شخصی حنفی مذهب بر حنبلی مذهبیان گیلان وارد می شد، وی را به نام کافر می کشتند و مالش را به نام «فیء» تصاحب می کردند. در بلاد ماوراءالنهر که سرزمین حنفیان بود، شافعیان تنها یک مسجد داشتند و والی شهر هر وقت برای نماز صبح از آن جا می گذشت، می گفت: آیا وقت آن نرسیده است که این کنیسه بسته شود. (۱۰)

نتیجه جدایی مذاهب فقهی

دوری و دشمنی با شیعیان از این هم فاجعه آمیزتر بود؛ چنانکه ترکان عثمانی، شیعیان را متهم کردند که حشاشان کربلا و نجف است و آنان به مکه می آیند تا کعبه را آلوده به نجاست کنند، در کتاب *امراء البلدان الحرام* آمده است: در دوم شوال سال ۱۰۸۸ هـ ق وقتی مردم برای نماز صبح پیرامون کعبه آمدند، ناگهان اطراف کعبه را پر از آشغالی یافتند که نجاست بود. مردم این کار را به شیعیان نسبت دادند و در مسجد الحرام پنج نفر عرب را پیدا کردند و آنها را با سنگ از مسجد بیرون راندند و به قتل رساندند و کسی به دفاع از آنان نپرداخت. (۱۱)

این تهمت در موسم حج سال ۱۳۲۲ شمسی بار دیگر تکرار شد و این بار یک نفر به نام ابوطالب یزدی را به امر قاضی القضاة حجاز گردن زدند.

این حادثه که از عمق جهالت و بی اطلاعی مسلمانان و حتی علمای مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر خبر می داد، زنگ خطری بود برای علمای بیدار و موجب گشت که در قاهره، دارالتقرب توسط عالمان بزرگ مذاهب اسلامی تأسیس گردد. آیت الله العظمی بروجردی، روایت امام باقر (ع) را در مورد صفت حج پیامبر اکرم (ص) که مشترک میان همه مذاهب اسلامی است، برای پادشاه عربستان فرستاد تا مردم عربستان دریابند که مأخذ حج مذاهب شیعه و سنی یکی است و در اغلب موارد با هم مشترک اند (۱۲) و از سوی دارالتقرب، مناسک حج شیعه و سنی به صورت متقارن، تدوین گردید و شیخ حسن البناء رهبر اخوان المسلمین که یکی از اعضای جماعت تقرب بود، آن را در روزنامه اخوان چاپ و در موسم حج میان حجاج منتشر کرد؛ زیرا در آن هنگام تنها این روزنامه بود که اجازه ورود به عربستان داشت. (۱۳)

احیای فقه مقارن و تقریبی

در قرن گذشته بار دیگر فقه‌های بزرگ مذاهب

اسلامی به ضرورت علم الخلاف و فتح باب اجتهاد پی بردند و در مصر و تونس و دمشق و ایران به احیای آن پرداختند و آن را «فقه مقارن» نامیدند. در ایران رهبر این نهضت، آیت الله العظمی بروجردی در حوزه علمیه قم بود که فرمودند: «فقه شیعه باید همراه با آگاهی از نظریات و افکار دیگران باشد و از حالت اختصاصی به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل شود و فقیه باید به آرای گذشتگان اعم از فقه‌های اهل سنت و شیعه رجوع کند و مسأله را مطرح سازد.» (۱۴)

در تونس نیز دانشگاه الزيتونیه و در سوریه، دانشگاه دمشق و در مصر دانشگاه الازهر به فقه مقارن و تطبیقی روی آوردند.

آغازگر این نهضت پر برکت در مصر ابتدا شیخ بزرگ الازهر، محمد مراغی کبیر، بود که با مقاله علمی خود به فتح باب اجتهاد پرداخت و پیشنهاد تدریس فقه مقارن را در دانشکده‌های الازهر داد و لجنه‌ای به ریاست وی درباره قانون خانواده (الاحوال الشخصیه) بدون تقید به مذهبی از مذاهب چهارگانه تشکیل گردید. (۱۵)

سپس شیخ عبدالمجید سلیم، فقیه بزرگ و شیخ الازهر و وکیل دارالتقرب به تهیه مقدمات فتوای تاریخی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامی و زیدی پرداخت و آن گاه شیخ بزرگ الازهر، شیخ محمود شلتوت، در زمان ریاست خود در تاریخ هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۸۰ این فتوای تاریخی را صادر کرد و با اتفاق استاد علی سائیس به تدوین کتابی در فقه مقارن با عنوان «مقارنه المذاهب فی الفقه» پرداخت. (۱۶)

سرانجام شیخ محمد محمد مدنی رئیس دانشکده الشریعه الازهر، فقه شیعه را در فقه مقارن دانشکده الازهر وارد کرد (۱۷) و در این باره سلسله مقالاتی با عنوان «اسباب اختلاف الفقهاء» به رشته تحریر درآورد که در مجله رساله الاسلام دارالتقرب به چاپ رسید. (۱۸)

ثمرات فقه مقارن و تقریبی

۱. آزاد سازی شریعت اسلامی از انحصار وانجماد

فقه مقارن که از زمان شیخ محمد مدنی تاکنون در دانشگاه الازهر برقرار است، ثمرات بسیار پربرکتی به بار آورده است و دورانی که مردم خود را ضمن مذهب معینی محصور کرده بودند و بدون دلیل حق را فقط در مذهب مجتهد خود و باطل را در دیگر مذاهب می دیدند، سپری گردید. زمانی فرا رسید

که چشمان مردم به نور شریعت الهی روشن شد و اهل علم و فقه در جست و جوی حق و فتوایی برآمدند که دلیل قوی تر و محکم تری داشت؛ هر چند آن دلیل از غیر مذاهب چهارگانه بود. این حق جویی در میان اهل علم به قوانین مدنی مصر و سایر کشورهای اسلامی تسری پیدا کرد تا جایی که در سال ۱۹۲۰ میلادی دولت مصر، قانون شماره ۲۵ خود را مشتمل بر احوال شخصیه، از انحصار مذهب حنفی خارج ساخت و از سایر مذاهب چهارگانه تسنن نیز استفاده کرد.

در سال ۱۹۲۹ میلادی قانون شرعی شماره ۲۵، احکام سایر مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی را نیز مورد استفاده قرار داد.

در سال ۱۹۳۶ میلادی حکومت مصر، کمیسیونی تشکیل داد و آن را مکلف ساخت که گذشته از آرای همه مذاهب فقهی از نظرات فردی مجتهدان زنده برای نوشتن قوانین مدنی خانواده استفاده کنند.

دولت سوریه در سال ۱۹۵۱ میلادی بر همین اساس و (قوانین اخیر مصر) به تدوین قوانین خانواده همت گماشت و در سالهای بعد در کشور اردن، قطر و امارات و سودان این آزاداندیشی گسترش یافت.

۲. درخشش فقه اسلامی در صحنه بین المللی
با خارج شدن فقه مذاهب اسلامی از رکود، جمود، تعصب و تقلید و فتح باب اجتهاد، میدانی بین المللی برای آن گشوده گردید و در سمینارهای بین المللی، حقوق و قانون آن چنان نظر حقوقدانان را به خود جلب کرد که در سال ۱۹۳۲ میلادی در سمینار قانون مقارن لاهه، شریعت اسلامی را یکی از مصادر قانون گذاری اروپا برگزیدند.

در سال ۱۹۴۸ میلادی همه حقوقدانان در سمینار بین المللی لاهه به اتفاق آراء، فقه و حقوق اسلامی را به عنوان منبع قانون مقارن در قطع نامه خود تصویب کردند. (۱۹)

در سال ۱۹۵۱ میلادی مجمع بین المللی حقوق مقارن، هفته ای را به نام «فقه اسلامی» مقرر کرد و چنین نتیجه گرفت:

«اختلاف مذاهب فقهی در این مجموعه حقوقی عظیم، میراث عظیمی از مفاهیم و معلومات حقوقی است و فقه اسلامی صلاحیت پاسخ گویی به تمامی نیازمندیهای زندگی جدید را دارد.»

در سال ۱۹۷۲ میلادی در سمینار بین المللی دمشق پیشنهاد شد که کشورهای اروپایی در تشریح

با خارج شدن فقه مذاهب اسلامی از رکود، جمود، تعصب و تقلید و فتح باب اجتهاد، میدانی بین المللی برای آن گشوده گردید و در سمینارهای بین المللی، حقوق و قانون آن چنان نظر حقوقدانان را به خود جلب کرد که در سال ۱۹۳۲ میلادی در سمینار قانون مقارن لاهه، شریعت اسلامی را یکی از مصادر قانون گذاری اروپا برگزیدند

مارسل بوازار دانشمند سوئیسی می نویسد:
«در قرون وسطی هر موقع رکودی در قوانین مسیحیت اتفاق می افتاد، صاحب نظران از فقه و حقوق اسلامی استفاده می کردند و در قرن سیزدهم میلادی در چند دانشگاه اروپا، مبانی فقه اسلامی را مورد پژوهش قرار می دادند.»



قانون تلف قبل از قبض، بر عهده بایع از راه کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۶۴ میلادی از حقوق اسلام گرفته شده است و قبلاً در حقوق اروپا تلف بیع قبل از قبض بر عهده مشتری بود. این قاعده باعث می شود کسانی که اموالی را به موجب عقد معوض انتقال می دهند، از تاریخ انتقال تا تاریخ تسلیم در محافظت آن کوتاهی نکنند و یا خیانت روا ندارند

و قانون گذاری خود از قوانین اسلامی استفاده کنند. (۲۰)

استفاده غرب از قوانین اسلامی

مارسل بوازار دانشمند سوئسی می نویسد:

«در قرون وسطی هر موقع رکودی در قوانین مسیحیت اتفاق می افتاد، صاحب نظران از فقه و حقوق اسلامی استفاده می کردند و در قرن سیزدهم میلادی در چند دانشگاه اروپا، مبانی فقه اسلامی را مورد پژوهش قرار می دادند.» (۲۱)

« اکنون در جهان مسیحیت، گرایشی به سوی قوانین الهی پیدا شده است و به موضع مسلمانان نزدیک شده اند؛ زیرا به تجربه دریافته اند که تنها احکام ثابت الهی است که از هوی و هوس ستمگران و زورمندان و نفوذ قدرت و پول، آسیب نمی بیند.» (۲۲)

از سال ۱۹۳۲ میلادی در لاهه مقرر گردید که مصادر قانون تطبیقی بر اساس چهار منبع باشد:

۱. شریعت اسلامی
۲. قوانین فرانسه
۳. قوانین اسلامی
۴. قوانین انگلیس. (۲۳)

نمونه هایی از بخشش فقه اسلامی به اروپا

در اینجا به بررسی چند نمونه از بخششهای فقه اسلامی به حقوق و قوانین مدنی اروپا می پردازیم:

۱. عقد غایبین:

ایجاب عقد غایبین، دارای مشخصات ذیل است:

الف: ایجاب به وسیله قاصد یا نامه یا تلگراف فرستاده می شود.

بنابراین، معلوم است که گوینده ایجاب و قبول در دو مکان و دور از هم قرار دارند و هر یک از محضر دیگری غایب است. این عقد را از همین رو «عقد غایبین» و «عقد مکاتبه» می نامند.

ب: ایجاب مذکور، لازم است و نمی تواند از آن عدول کند.

د: لزوم ایجاب، موقت است و اگر موجب در آن تاریخ فوت کند، ورثه او نمی توانند از مقصد ناشی از ایجاب مذکور سرباز زنند.

ه: این ایجاب چون به اراده یک جانبه، منشأ تعهد برای موجب است، یک ایقاع است.

حقوق مدنی آلمان شماره ۳۷۸ تا ۳۹۵ ماده ۱۶۵ از فقه اسلامی استفاده کرده است. (۲۴)

۲. ایجاب ملزم

این واژه ترجمه «offre obliyyatoire» است؛ یعنی ایجابی که بدون پیوستن قبول به آن، منشأ تعهد باشد.

از نظر آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی کسی که ایجاب را عرضه می کند و مهلت برای قبول تعیین نمی نماید، باید به تعهد ناشی از ایجاب خود پایبند باشد؛ در مدت معقولی که طرف، مجال اظهار قبول را داشته باشد. (۲۵)

همین نظر را در قرن نهم هجری ابن همام در فقه حنفی در شرح فتح



التقدير بیان کرده است.(۲۶)

نظر قدیمی نزد کشورهای اروپایی این بود که این ایجاب، منشأ بروز تعهد برای ایجاب کننده (موجب) نیست،(۲۷) ولی در یک قرن اخیر، این قانون، مطابق نظر اسلامی تغییر یافته است. برای نمونه: قانون اتیوپی در ماده ۱۶۹۱ خود، فقه اسلامی را پذیرفته است و می گوید:

«همین ایجاب در مهلت معقول برای ایجاب کننده، تعهد به وجود می آورد.» (۲۸)

و ماده سوم قانون تعهدات سوئیس نیز ضمن پذیرش این نظریه، می گوید: «در صورتی که موجب ضرب الاجلی را برای قبول، تعیین کرده باشد، باید به ایجاب خود تا پایان اجل پایبند باشد.»(۲۹) همچنین در یک قرن اخیر، بحث ایجاب ملزم به وسیله حقوقدانان آلمانی، طبق نظر اسلامی ابراز شده است.(۳۰)

۳. اراده ظاهری و اراده باطنی

این واژه در قلمرو عقود به کار می رود. توجه حقوقدانان جهان به این پدیده به این دلیل است که اراده باطنی گاه با اراده ظاهری صد در صد مطابقت ندارد. به این دلیل مقداری از آنچه در اراده باطنی وجود داشته در مرحله اظهار و تجلی، بروز نکرده و کماکان در ضمیر عاقد، باقی مانده است. برای مثال: پس از وقوع عقد، یکی از منافقان ادعا می کند که او شمعدان مطالایی دیده و گمان کرده که طلاست و آن را بدون شرط طلا خریداری کرده است. دیگری می گوید: قصد ظاهری ملاک است.

فقه اسلامی همه مسائل حقوقی را به یک دید نمی نگرد؛ بلکه در بعضی از موارد به اراده ظاهری و در بعضی از موارد به اراده باطنی توجه دارد.(۳۱)

۴. شبهه عقد

در اسلام به مراسم خواستگاری، به عنوان مقدمه ازدواج، اجازه داده شده است، اما عقد نیست؛ بلکه شبهه عقد است از آن جهت که در اسلام خواستگاری نمودن از فردی که به خواستگار دیگری جواب مثبت داده اند، جایز نیست. مراسم خواستگاری در کشورهای اسلامی بدون اجرائیات معینی انجام می گیرد، جز در لبنان و سوریه که طبق قانونی که در سال ۱۹۱۷ ترکیه صادر کرده است، طبق مقررات خاصی انجام می پذیرد و در دفاتر رسمی ثبت می شود تا بتوانند در طی مدت خواستگاری درباره یکدیگر تحقیقات لازم را به عمل آورند و آن گاه به عروس و داماد اجازه داده می شود.(۳۲) در اروپا در این باره از فقه اسلامی استفاده کرده اند.

۵. اصل حاکمیت قراردادهای

مکتب شکاکان در مورد بحث از لزوم و جواز عقود و قراردادهای، عقیده دارد که باید وصف لزوم و جواز را قانون به عقود بدهد. در صورت سکوت قانون، حقوقدان بلا تکلیف و مردد است. اگر یکی از متعاقدان اقدام به فسخ کند، نمی داند که فسخ مذکور موثر است و آثار عقود را از بین می برد یا نه. از نظر فقه اسلامی چون در زمان ایجاب و قبول، آثار عقد به طور یقین بروز کرده؛ لکن پس از وقوع فسخ، شک به وجود می آید و میدان را برای اجرای اصل استصحاب می گشاید و یقین سابق و لزوم آن عقد و قرار داد حاکم است. این اصل یکی دیگر از مواردی است که قوانین اروپایی آن را برگزیده اند.

در فقه اسلامی در بیع تملیکی همزمان با ایجاب و قبول، مبیع را از دارایی بایع بیرون می کند و وارد در دارایی خریدار می گرداند و هر معامله ای که چنین نباشد، بیع عهده است. این واژه در فقه و حقوق فرانسه سابقه ندارد و از راه حقوق اسلامی به کد (مجموعه قوانین مدنی) ناپلئون رفته است



از زمان شیخ
فقیدالازهر، محمود
شلتوت، با بررسی
و مطالعه فقه عترت
در ضمن فقه مقارن،
بعضی از قوانین
مدنی مصر، طبق
فقه عترت تغییر
یافت و بعد از وی
نیز توسط شاگردان
شیخ در الازهر
و مجمع البحوث
الاسلامیه و سایر
کشورهای اسلامی
چون: اردن، قطر،
امارات، سودان،
سوریه و لبنان این
تغییرات توسعه
یافت و تاکنون
بسیاری از قوانین در
کشورهای اسلامی
به فقه عترت تغییر
یافته است

۶. نظریه تملیکی بودن عقود

در فقه اسلامی در بیع تملیکی همزمان با ایجاب و قبول، مبیع را از دارایی بایع بیرون می‌کند و وارد در دارایی خریدار می‌گرداند و هر معامله ای که چنین نباشد، بیع عهدی است.
این واژه در فقه و حقوق فرانسه سابقه ندارد و از راه حقوق اسلامی به کد (مجموعه قوانین مدنی) ناپلئون رفته است.

۷. قاعده تلف بیع، قبل از قبض بر عهده بایع

قانون تلف قبل از قبض، بر عهده بایع از راه کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۶۴ میلادی از حقوق اسلام گرفته شده است و قبلا در حقوق اروپا تلف بیع قبل از قبض بر عهده مشتری بود. این قاعده باعث می‌شود کسانی که اموالی را به موجب عقد معوض (۳۳) انتقال می‌دهند، از تاریخ انتقال تا تاریخ تسلیم در محافظت آن کوتاهی نکنند و یا خیانت روا ندارند.

از نظر دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی این نمونه‌ها بیانگر آن است که یک فرهنگ سالم و مستقل می‌تواند به تدریج با ارتباط با ملت‌های دیگر به صورت مسالمت آمیز به صورت فرهنگ بخشنده درآید.

۳. درخشش فقه عترت در الازهر

استفاده از فقه عترت در الازهر از هنگامی آغاز شد که آیت الله العظمی بروجردی کتاب مبسوط شیخ طوسی و مختصر نافع محقق حلی را برای علمای الازهر ارسال کرد. از علامه قمی دبیر کل دارالتقریب شنیدم که شیخ عبدالمجید سلیم شیخ سابق الازهر می‌گفت: هرگاه می‌خواستیم به جلسه افتاء حاضر شوم تا کتاب مبسوط شیخ طوسی را مطالعه نمی‌کردم، به آن جلسه نمی‌رفتم و شیخ محمود شلتوت در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشت:

« من و بسیاری از برادران و همکارانم چه در دارالتقریب و چه مجامع الازهر و چه در شورای فتوا و چه در کمیسیون‌های احکام خانواده و غیره، توانستیم اقوال و آرای از مذهب شیعه را بر مذاهب تسنن ترجیح دهیم با آنکه خودمان سنی بودیم... من شخصا دلیل شیعه را قوی تر دانسته و بر طبق رأی شیعه در این قسمت فتوا می‌دهم و اصولا فقیه منصف، موارد بسیاری را در فقه شیعه می‌تواند پیدا کند که از حیث دلیل نسبت به بعضی از اقوال اهل سنت قوت بیشتری دارد و از نظر مصلحت جامعه اسلامی و استقرار خانواده سازگارتر است.» (۳۴)

۴. صدور فتوای تاریخی مبنی بر جواز پیروی

از مذهب شیعه

آیت الله میرزا خلیل کمره ای می‌نویسد: در سفر به مصر در یکی از دیدارهایم با شیخ جامع الازهر محمود شلتوت، عظیم مصر فرمود:

« من از دیر زمانی حدود سی سال قبل در صد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتابهای فقهی امامیه را خواستم، ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتابها نمی‌رسید و سانسور می‌شد تا بعد از فتح کانال سوئز کتب شیعه آمد و من مطالعه کردم و حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی قرار گیرم.» (۳۵)

علامه شیخ محمد جواد مغنیه لبنانی می‌گوید: در یکی از سفرهایم به مصر از علامه شلتوت درباره انگیزه فتوایش به جواز تعدد به مذاهب جعفری را جویا شدم، وی در جمع بزرگان الازهر گفت:

« من در مقام استنباط احکامی فقهی، وقتی بعضی از دلایل فقه شیعه را مورد دقت و نظر عمیق قرار دادم، به این نتیجه رسیدم که دلایل این فقه از قوت، متانت و ظرافت خاصی برخوردار است و این امر باعث شد که فتوایی بر جواز پیروی از مذهب شیعه را صادر کنم و من خود در بعضی مسائل فقهی بر اساس فقه جعفری فتوا داده‌ام.»

آن گاه شیخ رو به حاضران کرد و گفت:
« بر شماست که کتابهای شیعه را با دقت مورد مطالعه قرار دهید.» (۳۶)

۵. درخشش فقه عترت، در قوانین مدنی

کشورهای اسلامی

با برقراری فقه مقارن مشتمل بر فقه اهل بیت در دانشگاهها و حوزه های علمیه کشورهای اسلامی، فقها و حقوقدانان پی به عظمت فقه عترت بردند و بعضی از قوانین مدنی خود را مطابق آن، تغییر دادند که در قسمت بعدی به بیست مورد آن اشاره خواهد شد.

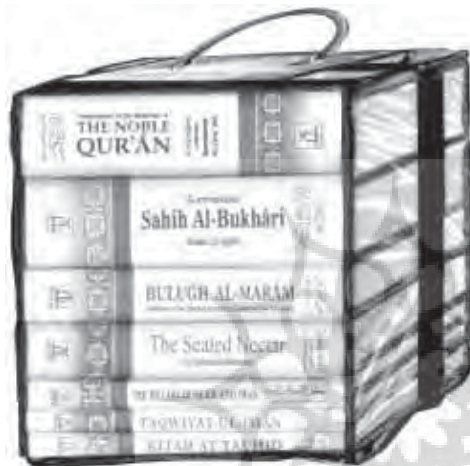
برای این منظور تا کنون رویکرد بسیار خوبی در جهان اسلام به فقه اهل بیت(ع) پیدا شده و چندین دایره المعارف فقهی مشتمل بر فقه اهل بیت(ع) نگارش یافته است که نمونه آن، موسوعه فقه جمال عبدالناصر در مصر و موسوعه فقه الامام علی بن ابی طالب تألیف دکتر رواس قلعه جی در سوریه و معجم فقه السلف عتره و صحابه و التابعین توسط اساتید دانشگاه ام القرا در عربستان است.



تا ۵۲۹ چاپ شده با قانون خانواده سوریه. (۴۵)

۳. قانون رضاع از یک قطره به پانزده بار

در مقدار رضاع و شیرخوارگی که موجب محرمیت و حرام شدن ازدواج میان دو کودک شیرخوار می‌گردد، بر اساس اختلاف نظر در آیه و احادیث موجود، نظر بعضی از مذاهب اربعه، مانند: حنفیان، مالکیان و حنبلیان در روایتی این است که نوشیدن



نظر قدیمی نزد کشورهای اروپایی این بود که ایجاب ملزم، منشأ بروز تعهد برای ایجاب کننده (موجب) نیست، ولی در یک قرن اخیر، این قانون، مطابق نظر اسلامی تغییر یافته است. برای نمونه: قانون اتیوپی در ماده ۱۶۹۱ خود، فقه اسلامی را پذیرفته است

کمی ولو یک قطره و نوشیدن زیاد شیر در محرمیت یکسان است. از نظر شافعیان و نظر راجح حنابله پنج بار شیرخوارگی است، به طوری که کودک با هر بار سیر شود و با اختیار خود پستان را رها کند. دلایل این دسته روایت عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) است که می‌گوید: در قرآن ده بار شیرخوارگی آمده بود که بعدها با پنج نوبت نسخ شد.

ابن عربی این دلیل را ضعیف ترین دلیل بر می‌شمرد؛ زیرا با عمل به این روایت، باب طعن به قرآن باز می‌شود که در قرآن تحریف صورت گرفته است. (۴۶)

در فقه جعفری مقدار شیرخوارگی باید به اندازه ای باشد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک گردد و یا از نظر مدت، یک شبانه روز پشت سر هم و یا از نظر تعداد، پانزده مرتبه

از زمان شیخ فقیدالازهر، محمود شلتوت، با بررسی و مطالعه فقه عترت در ضمن فقه مقارن، بعضی از قوانین مدنی مصر، طبق فقه عترت تغییر یافت و بعد از وی نیز توسط شاگردان شیخ در الازهر و مجمع البحوث الاسلامیه و سایر کشورهای اسلامی چون: اردن، قطر، امارات، سودان، سوریه و لبنان این تغییرات توسعه یافت و تاکنون بسیاری از قوانین در کشورهای اسلامی به فقه عترت تغییر یافته است که به بررسی نمونه هایی از آنها به طور مختصر می پردازیم:

۱. از عدم وجوب التزام تا وجوب التزام به

شرط ضمن عقد

از نظر جمهور فقهای اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، زیدی و ظاهری) شرط ضمن عقد، الزام آور نیست (۳۷) اما از نظر مذهب جعفری و برخی از حنابله عمل به شرط عقد در صورتی که حرام و یا مغایر با عقد ازدواج نباشد، لازم است. برای نمونه: اگر زن ضمن عقد شرط کند که همسرش وی را از فلان شهر بیرون نبرد، شوهر نمی‌تواند وی را از آن شهر خارج کند، مگر با رضایت وی (۳۸) اما اگر شرط خیار در عقد ازدواج کند، آن شرط باطل است. (۳۹) ماده نوزده از قانون خانواده اردن شماره ۶۱ سال ۱۹۷۶ میلادی، نظر مذهب جعفری را برگزیده و تصریح کرده است:

«هرگاه ضمن عقد شرط سودمندی برای یکی از طرفین کند و آن منافاتی با مقاصد ازدواج نداشته باشد و ملتزم به چیزی که در شرع ممنوع است نباشد، مراعات آن واجب است.» (۴۰)

و این چنین شد قانون مدنی خانواده کشور امارت ماده ۲۸ و قانون عربی متحده فقره ب از ماده شش. (۴۱)

۲. جواز استرداد هبه

مالکیان، شافعیان، حنبلیان و ظاهریان، هبه را عقدی لازم می‌دانند و استرداد و باز گرداندن هبه را جایز نمی‌دانند. (۴۲)

اما شیعیان و زیدیان و حنفیان به استناد فقه امام علی (ع) (۴۳) هبه را عقدی جایز دانسته اند و استرداد آن را تا وقتی که عین آن باقی است و هبه غیر معوضه است، جایز می‌دانند. (۴۴)

هم اکنون بیشتر قوانین مدنی کشورهای اسلامی، چون: مصر، سوریه، اردن و امارات، فقه امام علی (ع) را برگزیده اند. برای نمونه رجوع شود به: مواد ۵۱۵



کامل شیر بنوشد. (۴۷)

شیخ شلتوت نظر شیعه را بر می‌گزیند و اعلام می‌دارد: من شخصا دلیل شیعه را قوی تر می‌دانم و بر طبق رای شیعه در این قسمت فتوا می‌دهم؛ (۴۸) زیرا عنوان امهات در قرآن: «وامهاتکم اللاتی ارضعنکم» مدتی را می‌طلبد که مفهوم مادری را برای کودک شیرخوار ایجاد کند و طبیعی است که با خوردن یک قطره شیر یا سه یا پنج نوبت، عاطفه و شوق مادری میان آن دو به وجود نمی‌آید. (۴۹)

۴. از طلاق معلق به منجز

در فقه عترت شرط صیغه طلاق این است که از هر قیدی مطلق باشد و حتی اگر تحقق آن شرط معلوم باشد، طلاق با تعلیق واقع نخواهد شد، اما از نظر مذاهب چهارگانه تسنن، طلاق با تحقق شرط (معلق علیه) تحقق می‌یابد و در مصر تا قبل از صدور قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ میلادی به این فتوا که راجح مذهب حنفی بود، عمل می‌شد، اما بعد از صدور قانون جدید، وضع تغییر یافت و مطابق مذهب عترت گردید و در ماده سوم قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ میلادی، تصریح شد که: «طلاق معلق و غیر منجز واقع نمی‌شود.» (۵۰)

۵. از سه طلاقه به یک طلاق

یکی دیگر از قوانین تغییر یافته با فقه عترت قانون مربوط به سه طلاقه کردن همسر با یک لفظ است که اگر مردی به زنش بگوید: «من تو را سه طلاقه کرده‌ام»، آیا یک طلاق محسوب می‌شود و در نتیجه شوهر می‌تواند در ایام عده رجوع کند و بر گردد یا اینکه سه طلاق محسوب می‌شود و دیگر حق رجوع ندارد. از نظر پیشوایان مذاهب چهارگانه تسنن سه طلاق محسوب می‌شود، اما از نظر فقه عترت یک طلاق محسوب می‌گردد. در سال ۱۹۲۹ این قانون در مصر، طبق مذهب عترت تغییر یافت و در ماده سوم از قانون شماره ۲۵، تصریح شد که: «طلاق که با عدد همراه است چه لفظا و چه اشارتا یک طلاق بیشتر محسوب نمی‌شود.»

این تغییر از مذهب حنفی به مذهب جعفری به دلیل مصلحت خانواده به یسر و آسانی بر مردمی است که دچار چنین طلاق می‌شوند. (۵۱)
هم اکنون بیشتر کشورهای اسلامی از این تغییر تبعیت نموده اند. برای نمونه: ماده نود قانون خانواده اردن تصریح می‌کند که:
«طلاق همراه با عدد چه به صورت لفظ و چه به صورت اشاره و طلاق مکرر در مجلس واحد، یک طلاق محسوب می‌شود.» (۵۲)
و ماده دهم قانون امارات، تصریح می‌کند که:
«طلاق همراه با عدد چه به صورت لفظ و چه به صورت اشاره، یک طلاق محسوب می‌شود و همچنین طلاقهای پی در پی یا متعدد در یک مجلس.»
و نیز این تغییر در فقه ج از ماده ۱۹ قانون عربی متحده نیز آمده است. (۵۳)

۶. از اعتبار تا بی اعتباری طلاق مست

مذهب جمهور فقهای تسنن این است که طلاق شخص مست در حالت مستی در صورتی که با شرب حرام مانند خمر یا مواد مخدر باشد، واقع می‌شود، اما از نظر امامیه، طلاق مست مطلقا واقع نمی‌شود.
دکتر بدران ابوالعینین می‌گوید: نظر امامیه مطابق عقل و موافق اصول است، افزون بر اینکه اگر شخص مست مستحق عقوبت است، گناه زن و فرزندانش چیست که باید زیان و ضرر طلاق را تحمل کنند. (۵۴)

مذهب جمهور
فقهای تسنن این
است که طلاق
شخص مست در
حالت مستی در
صورتی که با شرب
حرام مانند خمر یا
مواد مخدر باشد،
واقع می‌شود، اما
از نظر امامیه، طلاق
مست مطلقا واقع
نمی‌شود
هم اکنون قانون
مصر و لبنان طبق
مذهب امامیه تغییر
یافته است و قانون
شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹
در اولین ماده و
قانون حقوق خانواده
در ماده ۱۰۴ آن
تصریح می‌کند
که: «طلاق مست
معتبر نیست.»



هم اکنون قانون مصر و لبنان طبق مذهب امامیه تغییر یافته است و قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ در اولین ماده و قانون حقوق خانواده در ماده ۱۰۴ آن تصریح می کند که: «طلاق مست معتبر نیست.» (۵۵)

۷. از اعتبار تا بی اعتباری طلاق مکره

هرگاه زوجی را با اکراه به طلاق همسرش وادار کنند یا تهدید به قتل یا نقص عضو، یا گرفتن مال یا غیر آن که قابل تحمل نباشد و نتواند آن آزار را از خود دفع کند و همسرش را طلاق دهد، از نظر فقه عترت چنین طلاقى واقع نمی شود، ولی از نظر مذهب حنفیان که قانون مصر بر آن استوار است، این طلاق واقع می شود. این قانون در مصر و لبنان طبق نظر امامیه و فقهای غیر حنفی تغییر یافته و در ماده ۱۰۵ آمده است که «طلاق با اکراه معتبر نیست.» (۵۶)

دکتر بدران می نویسد: نظریه غیر حنفیان ارجح است به دلیل قوت دلایلشان، افزون بر اینکه شخص مکره مضطر به طلاق است و وقتی خداوند کفر را از کسی که در حال اکراه اظهار کفر کرده برداشته و فرموده است: «من کفر بالله من بعد ایمانه الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان» به طریق اولی از کسی که با اکراه وادار به کفر شده ساقط است و طلاقش واقع نخواهد شد. (۵۷)

۸. از عدم لزوم تا لزوم دو شاهد برای طلاق

امامیه برای وقوع طلاق دو شاهد عادل را شرط دانسته اند؛ زیرا قرآن می فرماید: «واشهدوا ذوی عدل منکم» (۵۸) بنابراین، شهادت دو نفر غیر عادل و یا یک عادل و یا شهادت بانوان کافی نیست. اما از نظر اکثر فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، برای طلاق حضور شهود شرط نیست؛ بلکه مستحب است. شیخ ابوزهره عالم بزرگ الازهر می گوید: اگر اختیار عمل در مصر با ما بود، ما نظر شیعه را انتخاب می کردیم (۵۹) و دکتر بدران می گوید: رای شیعه امامی راجح است؛ زیرا که دایره طلاق را که هم اکنون گسترش یافته است، محدود می کند و بالاخره این نظر در قوانین مدنی مصر برگزیده شد و هم اکنون طلاق باید با حضور دو شاهد باشد. (۶۰)

۹. از طلاق باین به طلاق رجعی

در حالات چهارگانه زیر از نظر حنفیان طلاق، باین محسوب می شود و از نظر شیعه امامیه طلاق رجعی:

الف. طلاق موصوف به صفتی که معنای آن جدایی و بینونه باشد.
ب. طلاق مقرون با صیغه افعال التفضیل دال بر بینونت.
ج. طلاق تشبیه شده به چیزی که دلالت بر بینونت دارد، مانند: «انت طالق کالجیل؛ تو مانند کوه رهایی»
د. طلاق با الفاظ کنایه.

در مصر به مذهب حنفی عمل می شد تا اینکه قانون شماره ۲۵ سال ۱۳۲۹، صادر گردید و از این تاریخ طبق مذهب امامیه تغییر یافت: (۶۱) زیرا ادله مذهب امامیه که اصل در طلاق را رجعی می داند، قوی تر است و قرآن می فرماید: «و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحا؛ و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند به باز آوردن آنان در این (مدت) سزاوارترند.» (۶۲)

۱۰. نحوه مراجعت در طلاق رجعی

در مذهب جعفری و حنفی نحوه مراجعه چه قولاً و چه عملاً صحیح است و مالکیان فعل را در صورتی که به نیت مراجعت باشد، پذیرفته اند (۶۳) اما از نظر شافعیان مراجعت تنها با گفتار تحقق می پذیرد و با کردار مطلقاً رجعت صورت نمی پذیرد. قانون خانواده در مصر در فقره دوم از ماده ۱۱۲، نظر فقه جعفری و حنفی را پذیرفته است و تصریح می کند: «زوج حق دارد چه با گفتار و چه با کردار به همسر خود باز گردد.» (۶۴)

۱۱. از سقوط تا عدم سقوط مهریه و نفقه در خلع

با تحقق طلاق خلع یا مبارات از نظر حنفیان مهریه و نفقه از شوهر ساقط می شود و همسر نمی تواند آن را مطالبه کند، اما از نظر امامیه، ساقط نمی شود. قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۰ در مصر، نظریه مذهب امامیه را برگزید.

۱۲. خلع زن بیمار در مرض موت

خلع زن بیمار در مرض موت، صحیح است و چون بدل شبیه به تبرع است، حکم وصیت را دارد و از ثلث مال وی خواهد بود. اگر زن بمیرد و در عده باشد یا بعد از انقضای عده بمیرد، برای شوهر کمتر از بدل در حدود ثلث ترکه خواهد بود و اگر زن از بیماری جان به در برد، برای شوهر همه مهریه مورد توافق خواهد بود. از نظر جمهور اهل سنت قرار دادن مال فراوان بیش از آنچه حق او در ارث است،

از آن جهت که در اسلام خواستگاری نمودن از فردی که به خواستگار دیگری جواب مثبت داده اند، جایز نیست، مراسم خواستگاری در کشورهای اسلامی بدون اجرائیات معینی انجام می گیرد، جز در لبنان و سوریه که طبق قانونی که در سال ۱۹۱۷ ترکیه صادر کرده است، طبق مقررات خاصی انجام می پذیرد و در دفاتر رسمی ثبت می شود تا بتوانند در طی مدت خواستگاری درباره یکدیگر تحقیقات لازم را به عمل آورند و آن گاه به عروس و داماد اجازه داده می شود





تقریب مذاهب و فقه مقارن موجب کاهش شکاف عمیق بین مذاهب و رویکرد جهان اسلامی به فقه اهل بیت گشته است و استعمارگران که از تقارب میان مسلمانان و درخشش فقه اهل بیت (ع) در جهان اسلام سخت به وحشت افتاده‌اند، بر آنند تا با نبش قبور کتب تفرقه انگیز و تحریک متعصبان جاهل و افراطی صدها کتاب علیه شیعه منتشر کنند تا از سویی مردم با ذهنیت منفی با مکتب عترت (ع) برخورد کنند و از سویی شیعیان متعصب و غالی را برانگیزند تا آنها نیز مقابله به مثل نموده و مسلمانان را به اختلافات و مشاجرات داخلی مشغول سازند

سال نه بیشتر مطابق فقه امامیه قرار داد. (۶۹) از آن جا که در مصر زنانی فاسد پیدا می‌شدند که فرزندان نامشروع را به شخص ثروتمند مرده ای نسبت می‌دادند و به نظر فقهای حنفی استناد می‌کردند که حداکثر دوران بارداری تا دو سال است، وزارت دادگستری مصر مسأله را به پزشکی قانونی ارائه داد و پزشکی قانونی نظر فقه امامیه را تأیید کرد.

۱۵. از اعتبار تا بی اعتباری وصیت مست
از نظر احناف، وصیت کننده مست در صورتی که

در مقابل خلع جایز نیست. در مصر این عمل طبق مذهب جمهور فقهای اهل سنت جاری بود تا اینکه بر اساس مذهب امامیه قانون وصیت شماره ۷۱ در سال ۱۹۴۶ صادر شد که اجازه وصیت در حدود ثلث به وارث می‌داد، همان طور که برای غیر وارث می‌توان قرار داد. بنابراین، اعتباری به مرگ همسر در عده یا بعد از اتمام عده نخواهد بود؛ زیرا حکم اختلافی ندارد و شوهر مستحق کمتر از بدل خلع و ثلث ترکه است، هر چند زیادتر از نصیبش در میراث باشد و این مذهب امامیه است. (۶۵)

۱۳. از ابعداجلین به عده طلاق

اگر شوهری برای محروم کردن همسرش از میراث، در مرض موت، وی را طلاق باین دهد، بدون آنکه زن راضی باشد و آن گاه در حالی که زن در عده به سر می‌برد مرد بمیرد، از نظر فقه جعفری و حنفی زن از آن مرد ارث می‌برد، اما آیا عده اش از عده طلاق به عده وفات تبدیل می‌شود یا نه؟ از نظر ابوحنیفه عده زن به ابعداجلین تغییر می‌یابد؛ یعنی هر یک از عده وفات و عده طلاق مدتش بیشتر بود، باید آن را در نظر گیرد. اما از نظر فقه امامیه آن زن فقط به عده طلاق عمل می‌کند؛ زیرا که ازدواج با طلاق باین قطع شده و دیگر همسر او به هنگام وفات مرد نیست و اینکه زن مستحق ارث است، برای این است که از سوی شارع دلیل بر ثبوت آن وارده شده است و این دلیل به عده سرایت نمی‌کند.

قانون حقوق خانواده ماده ۱۴۷ در لبنان بر اساس نظر امامیه تنظیم شده است و اکنون آنچه در لبنان عمل می‌شود، (۶۶) این است که در طلاق باین تحولی از عده طلاق به عده وفات خواهد بود. (۶۷)

۱۴. حداکثر بارداری از دو سال به نه ماه

از نظر اکثر فقهای امامیه، حداکثر دوران آبستنی نه ماه است و بعضی نیز معتقد به ده ماه و برخی یک سال کامل، هستند.

اما حداکثر دوران آبستنی از نظر حنفیان دو سال و از نظر مالکیان و شافعیان و حنبلیان چهار سال و از نظر لیث بن سعد و عباد بن عوام، پنج سال و از نظر زهری هفت سال نه بیشتر و این قول دیگری از مالک است. (۶۸)

در محاکم قضایی مصر به مذهب ابی حنیفه عمل می‌شد تا اینکه قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ صادر شد و در ماده پانزده آن حداکثر دوران بارداری را یک



با حرام مست کرده باشد، وصیتش به عنوان زجر و عقوبت صحیح است و به اجرا در می آید و از نظر شافعیان وصیت مست در صورتی که با اختیار خود مست شده باشد، صحیح است. اما از نظر امامی، مالکی و حنبلی، وصیت مست به طور مطلق صحیح نیست؛ قانون وصیت در جمهوری عربی متحده نیز طبق مذهب امامی، مالکی و حنبلی وصیت مست را به طور مطلق لغو کرد.

۱۶. از عدم جواز تا جواز وصیت برای وارث

از نظر مذاهب اربعه تسنن وصیت برای وارث جایز نیست، ولی از نظر فقه اهل بیت جایز است. قانون وصیت در مصر در ماده ۳۷ سال ۱۹۴۶، نظر اهل بیت را پذیرفت و از نظر مذاهب چهارگانه عدول کرد و وصیت برای وارث را در حدود ثلث بدون اجازه ورثه اجازه داد. (۷۰)

شیخ محمد زکریا البردیسوی استاد شریعت دانشگاه قاهره می گوید:

«ما در قوانین جدید خانواده در جواز وصیت برای وارث به مذهب شیعه عمل کردیم و مذاهب چهارگانه تسنن را که وصیت برای وارث را اجازه نمی داد، رها ساختیم و این همگام با مصالح مردم در دایره کتاب و سنت است.» (۷۱)

۱۷. از عدم صحت تا صحت وصیت برای جماعت

از نظر فقه امامیه وصیت برای جماعت صحیح است، اما از نظر حنفیان باید کسی که برایش وصیت شده (موصی له) معلوم باشد و وصیت برای جماعت مسلمین صحیح نیست.

قانون مصری (م ۳۰) و قانون سوریه (۱/۲۳۳) از مذهب حنفی به مذهب امامی عدول کرده و وصیت برای جمع نامحدود را اجازه داده است. (۷۲)

۱۸. از عدم صحت تا صحت وصیت به منفعت

حنفیان میان وصیت به غله و وصیت به ثمره و میوه فرق قائل هستند؛ اولی را صحیح و دومی را نادرست دانسته اند، اما در فقه اهل بیت وصیت به منفعت صحیح است؛ خواه غله باشد یا میوه.

ماده ۵۵ قانون مصری و ماده ۲۴۹ قانون سوریه، نظر امامی و غیر حنفی را پذیرفته و وصیت به میوه را مانند وصیت به غله صحیح دانسته است. (۷۳)

۱۹. ارث دختران تنها

خانم دکتر نائله علویه در کمیسیون قانون خانواده

موضوع پدری را که در گذشته و از خود تنها دخترانی به جا گذاشته است، مطرح کرد و خواستار تعدیل قانون میراث مملکت مصر شد، به طوری که دختران بتوانند تمامی دارایی پدر را به ارث برند، همان طور که اگر فرزندان ذکور باشند، به جای اینکه دارایی مرده میان طبقات دیگر توزیع شود، تمامی ارث به فرزندان ذکور می رسد.

خانم سیده نائله علویه طرح خود را به کمیسیون قوانین خانواده (احوال شخصیه) تقدیم داشت تا طبق مذهب شیعه نه سنی این قانون تعدیل گردد.

از نظر فقه شیعه اگر در طبقه اول، دختران تنها باشند، تمامی دارایی را به ارث می برند، (۷۴) اما اگر دختران با پسران باشند، طبق آیه صریح قرآن، پسران دو برابر دختران سهم خواهند داشت. آن گاه خانم علویه افزود:

«گر چه مذهب شیعه در سرزمین ما معمول نیست، ولی این مذهب یکی از مذاهب اسلامی است که وزارت اوقاف مصر آن را به رسمیت شناخته و بعضی از کتب شیعه را چاپ و منتشر کرده است که کاشف از حقیقت این مذهب است.

شایان ذکر است که مذاهب شیعه این امتیاز را دارد که پایبند به تمسک به اصل شریعت است.»

کمیسیون مرکز بانوان در سمینار خانواده که وزارت امور اجتماعی آن را برگزار کرده بود، تغییر قانون مصر را در این مسئله توصیه کرد. (۷۵)

۲۰. توسعه وقت رمی جمرات

از نظر جمهور فقهای مذاهب اربعه وقت رمی جمرات در ایام تشریق بعد از زوال است و این امر باعث شده است که هر سال به علت ازدحام جمعیت میلیونی، جمعی کشته شوند. این مشکل، فقهای مسئول عربستان را واداشته است که هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی در صدد توسعه برآیند.

معظم فقها در حال حاضر بر آن شده اند که به استناد فقه امام باقر (ع) وقت رمی جمرات را از صبح قرار دهند و در کتابهای خود به آن تصریح کرده اند از جمله: علامه شیخ مصطفی زرقاء و علامه دکتر یوسف قرضاوی و علامه شیخ عبدالله زید محمود و دکتر عبدالوهاب ابوسلیمان عضو کبار العلمای عربستان.

علامه شیخ زرقاء می نویسد: «در روز دوم از ایام عید، جمهور فقها بر آنند که وقت رمی از زوال آغاز می شود و رمی قبل از ظهر صحیح نیست، ولی در این مسئله امام باقر محمدن علی از آل البیت (ع)

از نظر جمهور فقهای مذاهب اربعه وقت رمی جمرات در ایام تشریق بعد از زوال است و این امر باعث شده است که هر سال به علت ازدحام جمعیت میلیونی، جمعی کشته شوند. این مشکل، فقهای مسئول عربستان را واداشته است که هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی در صدد توسعه برآیند. معظم فقها در حال حاضر بر آن شده اند که به استناد فقه امام باقر (ع) وقت رمی جمرات را از صبح قرار دهند و در کتابهای خود به آن تصریح کرده اند از جمله: علامه شیخ مصطفی زرقاء و علامه دکتر یوسف قرضاوی و علامه شیخ عبدالله زید محمود و دکتر عبدالوهاب ابوسلیمان عضو کبار العلمای عربستان



مخالفت کرده اند (چنانکه در کتاب *بدایة المجتهد* آمده است). بنابراین، در این چهار روز از صبح قبل از ظهر می‌توان رمی کرد و بر مکلف است که از یکی از مذاهب معتبر، هر کدام که باشد، پیروی کند و خداوند از وی می‌پذیرد. (۷۶)

علامه دکتر قرضاوی می‌نویسد: علاج مشکل مرگ و میرهای ناشی از ازدحام حجاج در وقت معین برای رمی جمرات ایام منی، توسعه زمانی است تا آن جا که شرع به ما اجازه می‌دهد و تا وقتی که تعداد حجاج، زیاد و مکان رمی محدود است بنابراین، چاره‌ای جز گسترش زمان نداریم و آن اجازه رمی از بامداد تا شامگاه است. (۷۷) و معنی ندارد که در رمی جمرات شدت به خرج دهیم، هر چند که بر اثر ازدحام صدها نفر زیر دست و پا کشته شوند و نمی‌توان چنین چیزی را به شرع نسبت داد؛ بلکه مقصود ذکر خدا و آنچه مطلوب است، یسر و آسانی و رفع حرج است. (۷۸)

دکتر عبدالوهاب ابوسلیمان عضو کبار العلمای عربستان سعودی می‌نویسد: مذهب شیعه زیدی و امامی بنا به نظر امام ابو جعفر الباقر (ع) رمی جمرات را از صبح می‌دانند... و این نظر منسجم با مقاصد شریعت مطهره در رفع حرج و جلوگیری از خونریزی و حفظ نفوس است. (۷۹)

نتیجه گیری کلی

تقریب مذاهب و فقه مقارن موجب کاهش شکاف عمیق بین مذاهب و رویکرد جهان اسلامی به فقه اهل بیت گشته است و استعمارگران که از تقارب میان مسلمانان و درخشش فقه اهل بیت (ع) در جهان اسلام سخت به وحشت افتاده اند، بر آنند تا با نبش

قبور کتب تفرقه انگیز و تحریک متعصبان جاهل و افراطی صدها کتاب علیه شیعه منتشر کنند تا از سوی مردم با ذهنیت منفی با مکتب عترت (ع) برخورد کنند و از سوی شیعیان متعصب و غالی را برانگیزند تا آنها نیز مقابله به مثل نموده و مسلمانان را به اختلافات و مشاجرات داخلی مشغول سازند.

اکنون که در کشورهای اسلامی مذهب اهل بیت (ع) به رسمیت شناخته شده است و علمای اهل بیت (ع) به عظمت فقه عترت برده و به آن روی آورده اند و در ضمن فقه مقارن از آن استفاده می‌کنند، در معرفی بیشتر و بهتر این مکتب بکوشیم و محاسن کلام اهل بیت (ع) را در معرض دید جهانیان قرار دهیم و نگذاریم که عده ای غالی و افراطی و یا مزدور با کتابهای مطاعن و تفرقه انگیز، این رویکرد جهانی به مکتب اهل بیت را تبدیل به تنفر و انزجار کنند.

در برابر این استقلال با شکوه از فقه با عظمت اسلام در میدان داخلی و خارجی، لازم است که فقه اسلامی به صورت کامل و مقارن یا جدید به جهان عرضه شود تا حقوقدانان و فقه دانان جهان بهترین درهای این فقه جواهری را گزینش کنند و از آن بهره مند شوند.

پی نوشتها

۱. سوره زمر، ۱۷ و ۱۸.
۲. جامع العلوم، فخر رازی، تهران.
۳. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، ص ۹۳۹.
۴. *المواقفات*، شاطبی، ج ۲، ص ۲۳۷.
۵. *مرجع العلوم الاسلامیه*، محمدزحیلی، ص ۷۳۶، دمشق.

تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق و جزا

مؤلف: جمعی از نویسندگان

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تعداد صفحات: ۶۳۹

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

تعزیر کیفری است که از پیش، تعیین شرعی نشده است و از خصلت انطاف پذیری دانش فقه حکایت دارد. در احکامی در این سنخ، حتی پیش از آنکه موضوع مطالعه ای معاصر برای ایجاد توانمندیهای فقه پویا قرار گیرند، به هنگام وضع این دسته از احکام توسط شارع ماهیتی مطابق با رویکردهای زمانی و مکانی لحاظ گشته است و مسئله «تشریح مجازاتهای منطف» بیانگر پویایی فقه است که چهارچوبی منطبق با زمان و مکان را توصیه می‌کند.

عناصر انعطاف بخش در تعزیرات را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تناسب پذیری با جرم و شخصی افراد

مجازات آنها باید در تناسب با جرم و شخصیت مجرم تعیین گردد و به وضوح، اوضاع و احوال پیرامون جرم



- دارالمعرفه.
۶. عبدالحمید الجندی، الامام جعفر الصادق (ع)، ص ۱۶۲
۱۶۳ مجلس اعلی شئون اسلامی، قاهره، ۱۳۹۷.
۷. مالی، صدوق، ص ۱۳.
۸. مناقب ابو حنیفه، موفق، ج ۱، ص ۱۷۳.
۹. مرجع العلوم الاسلامیه، ص ۷۴۵ و ۷۴۶.
۱۰. مقاله شیخ محمد عرفه (عضو سابق جماعه کبار العلماء مصر). مقاله «کیف يستعيد المسلمون وحدتهم و تناصرهم» مجله رساله الاسلام، سال ۷، شماره ۸، ص ۳۲۸، قاهره.
۱۱. امراء البلد الحرام، دحلان، ص ۸۳۲؛ صفحات من تاریخ مکه المکرمه، سدوک هور خورنیه، ج ۱، ص ۲۳۱.
۱۲. فصل نامه میقات حج، سال اول، عبدالکریم بی آزار، مقاله تقریب بین شیعه و سنی در مناسک حج، شماره اول، پاییز ۱۳۷۱، ص ۱۱۶-۱۰۹.
۱۳. همبستگی مذاهب اسلامی، عبدالکریم بی آزار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۰، ص ۱۰.
۱۴. مجله حوزه، مصاحبه با آیت الله جعفر سبحانی شماره ۴۴ و ۴۳، ص ۱۷۶-۱۷۷.
۱۵. مقارنه المذاهب فی الفقه، شیخ محمود شلتوت و شیخ علی سائیس، ص ۵ و ۶.
۱۶. شیخ محمود طلایه دار تقریب، عبدالکریم بی آزار، ص ۱۵۶-۱۶۱.
۱۷. همان، ص ۱۶۱-۱۷۸ - مقدمه شرح کتاب النبیل و شفاء العلیل، علی منصور، ج ۱، ص ۲۹.
۱۸. لوحه الاسلامیه، عبدالکریم بی آزار، ص ۳۸۸-۳۳۴، مجمع العالمی للتقریب، تهران، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۱۹. مقدمه کتاب شرح کتاب النبیل، علی منصور، ج ۱، ص ۳۰.
۲۰. موسوعه فقه ابراهیم الحنفی، دکتر رواس قلعه جی، ج ۱، ص ۳ و ۴.
۲۱. اسلام در جهان امروز، ص ۲۴۴ مارسل بوازار، ترجمه دکتر علی مؤیدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۲. همان، ص ۲۴۷.
۲۳. روح الدین الاسلامی، عقیف عبدالفتاح طباره، ص ۳۰۲، بیروت، ۱۹۶۴.
۲۴. تاثیر اراده در حقوق مدنی، ص ۱۴۱ به نقل از: دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ج ۱، ص ۳۳۶، ۱۳۳۷.
۲۵. حاشیه مکاتب شیخ انصاری، آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی، ص ۸۵ و ۸۶ (ذکر منع وجوب کون النقل حاصله حین القبول، بل القبول لیس الا رضا بالايجاب فان كان الايجاب متقدما فلازمه حصول النقل حینه ای حین الايجاب).
۲۶. شرح فتح القدر، ابن همام، ج ۵، ص ۷۹.
۲۷. حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۱۵۶، شماره ۲۰۴.
۲۸. دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، محمد جعفر جعفری لنگرودی، ج ۱، ص ۳۶۴.
۲۹. همان، ص ۳۶۷.
۳۰. همان، ص ۳۷۰.
۳۱. همان، ص ۱۲۲-۱۱۶.
۳۲. احکام الاسره فی الاسلام، محمد مصطفی شلی، ص ۶۲، بیروت، ۱۳۹۷. همان، ص ۱۳۱ - دایره المعارف علوم اسلامی قضایی، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ج ۱، ص ۸۰۳، تهران، ۱۳۸۱ - دائره المعارف حقوقی مدنی و تجارت، همو، ج ۱، ص ۵۴۱؛ دائره المعارف علوم اسلامی قضایی، همو، ج ۱، ص ۸۰۳.
۳۳. دائره المعارف حقوقی، جعفری لنگرودی، ج ۱، ص ۲۷ - دائره المعارف علوم اسلامی قضایی، همو، ج ۱، ص ۸۰۳.
۳۴. همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۵۷.
۳۵. حج و قبله، میرزا خلیل کمره ای، ص ۱۳۲-۱۳۰، رابطه عالم اسلام، ناصرالدین کمره ای، ص ۷.
۳۶. مجله تقریب مذاهب اسلامی، محمد ابراهیم جناتی، شماره ۵۵، ص ۴۴.
۳۷. بدایه المجتهد، ابن رشد، ج ۲، ص ۵۹-۵۹، لام،

لحاظ شود. به تعبیر دیگر، کیفر، باید خصلتی مشخصاً معطوف به زمان و مکان را باخود به همراه داشته باشد و در خلائی تهی از وضعیتهای دوران شکل نپذیرد. این تناسب پذیری نکته ای است که مورد اتفاق «عقلا» می باشد و مناقشه چالش انگیزی بر آن وجود ندارد. فقط با ارائه تعزیرات این خصلت را در مجازاتها پیش بینی کرده است.

هرچند فراتر از تعزیرات و در ارتباط با مجموعه مجازاتهای شرعی، بر ثابت ماندن حکم و یک نواخت بودن آن تأکید می شود؛ ولی اولاً: حوزه این احکام در نسبت با تنوع گسترده و پر دامنه تعزیرات، چندان وسیع نیست و ثانیاً: در ارتباط با این گروه از مجازاتها، که حدود شرعی نام گرفته اند، نیز بعضاً مباحثی را می توان مطرح کرد که جوانبی دیگر و حداقل در مرحله عمل، حاکی از انعطاف پذیری آنها است.

۲. واگذاری تعیین مجازاتهای تعزیری به حاکمیت

اصولاً حکومت بدون مجازات معنا ندارد. بی گمان اگر نگاه ما به دین از سطح نگاهی «فرد محور» پیشی نگیرد، از ابتدا مجال بررسی این موضوع را به روی خود بسته ایم و به نقش آفرینیهای حکومت دینی

- شافعی، ج ۵.
۳۸. زبده الاحکام، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۱۶، مسئله ۸۵۳.
۳۹. تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۱، مسئله ۱۸.
۴۰. دراسات فی الفقه المقارن، علی بوالبصل، ص ۱۶۹.
۴۱. الاحوال الشخصیه، محمد طنطاوی، ص ۵۷.
۴۲. بدایه المجتهد، ابن رشد، ج ۲، ص ۳۳۲ - معنی المحتاج، شربینی، ج ۲، ص ۴۰۲ - الام، ج ۴، ص ۶۳ - الکافی، ابن قدامه، ج ۲، ص ۴۶۹ - المحلی، ابن حزم، ج ۹، ص ۱۲۷.
۴۳. موسوعه فقه الامام علی بن ابی طالب، ص ۶۱۵.
۴۴. استیصار، ابوجعفر طوسی، ج ۴۵، ص ۱۰۸ - البحر الزخار، احمد المرزقی، ج ۵، ص ۱۴۰ - البدایع، کاسانی، ج ۲، ص ۱۲۸ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۸.
۴۵. دراسات فی الفقه المقارن، ص ۱۸۲.
۴۶. احکام الاسره فی الاسلام دارسه مقارنه بین فقه المذاهب السنیة والمذاهب الجعفری والقانونی، محمد مصطفی شلی، ص ۴۸۹-۴۹۱، بیروت، ط روم، ۱۳۹۷.
۴۷. مختصر نافع، علامه حلی، ۱۹۹ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵.
۴۸. مجله رساله الاسلام، دارالتقرب قاهره، شماره ۲، سال ۱۱، ۲۱۷ تا ۲۱۸، شماره ۲۸۲۱، چهاردهم مارس ۱۹۵۹.
۴۹. الفتاوی، شیخ محمود شلتوت، ۲۳۸ و ۲۸۴، قاهره، دارالشروق.
۵۰. احکام الاسره فی الاسلام، محمد مصطفی شلی، ص ۴۹۷.
۵۱. همان، ص ۴۸۹-۴۹۱.
۵۲. القرارات الاستثنایه فی اصول المحاکمات الشرعیه و اصول الدعوی، قاضی احمد داوود، ج ۲، ص ۹۱۲ - شرح قانون الاحوال الشخصیه الاردنی، محمد السراطوی، ج ۲، ص ۳۲۶ - دراسات فی الفقه المقارن، علی بوالبصل، ص ۷۸، امارات، دارالقلم، ۲۰۰۱ م.
۵۳. الاحوال الشخصیه فی الشرعیه و مشروع القانون الاتحادی لدوله الامارات، محمود طنطاوی - مشروع القانون العربی لمجلس وزراء العدل العرب، ص ۳۲۱.
۵۴. الفقه المقارن، ابوالعین بدران، ص ۳۱۶.
۵۵. احکام الاسره فی الاسلام، ص ۴۸۲.
۵۶. الفقه المقارن، ص ۳۱۶ - احکام الاسره فی الاسلام، ص ۴۸۳.
۵۷. الفقه المقارن، ص ۳۱۵.
۵۸. سوره طلاق، آیه ۲.
۵۹. الاحوال الشخصیه، ابوزهره، ص ۳۶۵.
۶۰. الفقه المقارن لاحوال الشخصیه، ص ۳۷۹ و ۳۸۰.
۶۱. الفقه المقارن، ص ۳۵.
۶۲. سوره بقره، آیه ۲۲۸.
۶۳. بدایه المجتهد، ابن رشد، ج ۲، ص ۷.
۶۴. الفقه المقارن لاحوال الشخصیه، ص ۳۷۰.
۶۵. فقه الامام جعفر الصادق، محمد جواد مغنیه، ج ۶، ص ۲۴، بیروت، دارالعلم للملایین.
۶۶. احکام الاسره فی الاسلام، دارسه مقارنه بین فقه المذاهب السنیة والمذاهب الجعفری والقانونی، ص ۵۴۴ و ۵۴۵، بیروت، دارالنهضة، بیروت ۱۳۹۷ - الفقه المقارن، ص ۴۰۴.
۶۷. احکام الاسره فی الاسلام، ص ۶۴۵-۶۴۶.
۶۸. معجم فقه السلف عتره و صحابه و تابعین، محمد المنتصر الکتانی، ص ۲۶۲.
۶۹. الاحوال الشخصیه، محمد محیی الدین، ص ۴۷۴.
۷۰. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱۰، ص ۷۴۷۸.
۷۱. دعوه التقرب قاهره، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، ۱۴۱۲، ۲۴۱ هـ. ق.
۷۲. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱۰، ص ۷۵۱۳.
۷۳. همان، ص ۷۵۲۳.
۷۴. رساله نوین امام خمینی، (دو سوم فرضاً + یک سوم قرباناً)، ج ۳، ص ۲۷۲.
۷۵. مجله المصدر، شماره ۲۰۰، رمضان سال ۱۳۸۴ مقاله سنت و شیعه و زیدیه به نقل از دعوه التقرب، چاپ وزارت

اهمیتی نداده ایم، ولی اگر به اسلام به مثابه وضعیتی بنگریم که بخش عمده ای از انتظارها و کارآمدهایش در ساحت‌های اجتماع رخ می نماید، آن گونه که خود نیز از ما می خواهد، دیگر نمی توانیم اهمیت نقش دین را در زمینه های گوناگون واز جمله مجازات‌ها نادیده بگیریم. بر این اساس و با توجه به اینکه مفاهیمی از قبیل: اعمال اقتدار، سیاست جنایی و... از جمله اصلی ترین خصلت‌های معنا بخش حکومت می باشد، واگذاری تعیین مجازات‌های تعزیری به حاکمیت در یک نظام فقهی - اسلامی و در چهارچوب خواست جامعه اسلامی به سلامت، امنیت و تأمین حقوق، تفسیر و تعبیر می گردد. بر پایه اندیشه تعزیرات، حکومت فرصت می یابد که در سه حوزه نوع، حجم و کیفیت اجرای مجازات ها دیدگاه برآمده از مصلحت را اعمال نماید.

باید اذعان کرد که درارتباط با تعزیرات اینک مرحله جدیدی رخ نموده است. از این مرحله که با استقرار نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته است، می توان باعنوان «بهره گیری نهادین و قانونمند از ظرفیتهای و انعطاف‌های نهفته در تعزیرات» یاد کرد. کوشش در این زمینه، وظیفه مهمی است که بر دوش مراکز فقهی و نهادهای قانون گذار سنگینی می کند و این بهره گیری را باید به گونه ای سامان داد که با فلسفه پر انعطاف تعزیرات از



رساله جامع علوم انسانی



کتابخانه دیجیتال



- اوقات، ط ۱۴۱۲، ص ۲۲-۲۴.
۷۶. فتاوی مصطفی الزرقاء، ص ۱۹۶، چاپ اول، به اهتمام مجدی احمد مکی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۰.
۷۷. مجله المجتمع، شماره ۱۳۴۳، ۱۳۱۹هـ، ص ۴۶.
۷۸. فی فقه الاولیات، دکتر قرضاوی، ص ۳۹، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱هـ.
۷۹. عبدالوهاب ابوسلیمان، و مرزا، معراج نواب، منی المشعر، والجمره، دراسه فقهیه جغرافیه حصاریه، مجله البحوث الفقهیه المعاصره، شماره ۴۹، سال ۱۳، شوال - ذی قعدہ و ذی حجه سال ۱۴۲۱هـ، ص ۱۲۲.
- منابع و مأخذ**
۱. قرآن کریم.
 ۲. فخر رازی، جامع العلوم، تهران، انتشارات اسلامی.
 ۳. ابن خلدون، مقدمه، محمد پروین گنابادی.
 ۴. شاطبی، الموافقات.
 ۵. زحیلی، محمد، مرجع العلوم الاسلامیه، دمشق، دارالمعرفه.
 ۶. جندی، عبدالحلیم، الامام جعفر الصادق (ع)، قاهره، مجلس اعلی شئون اسلامی، ۳۹۷ (هـ.ق).
 ۷. صدوق، امالی.
 ۸. موافق، مناقب ابوحنیفه.
 ۹. دحلان، امراء البلاد الحرام.
 ۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
 ۱۱. شلتوت، مقارنه المذاهب فی الفقه.
 ۱۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، شیخ محمود شلتوت طلابیه دار تقریب.
 ۱۳. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، الوحده الاسلامیه، تهران، المجمع العالمی للتقریب، ۱۴۲۲.
 ۱۴. قلعه جی، رواس، موسوعه فقه ابراهیم الحنفی.
 ۱۵. بوازار، مارسل، اسلام در جهان امروز، علی مویدی، الرساله، ۱۴۲۱.
- تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۶. طباطبائی، عبدالفتاح، روح الدین الاسلامی، بیروت، ۱۹۶۴م.
۱۷. ابن همام، شرح فتح القدر.
۱۸. جعفری لنگرودی، جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت.
۱۹. شلبی، محمد مصطفی، احکام الاسره فی الاسلام، بیروت، ۱۳۹۷.
۲۰. کمره ای، خلیل، حج و قبله.
۲۱. ابن رشد، بدایه المجتهد.
۲۲. شافعی، محمد بن ادريس، الام.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، زبده الاحکام.
۲۴. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله.
۲۵. ابوالبصل، علی، دراسات فی الفقه المقارن.
۲۶. طنطاوی، محمد، الاحوال الشخصیه.
۲۷. شربینی، مغنی المحتاج.
۲۸. ابن قدامه، الکافی.
۲۹. ابن حزم، المحلی.
۳۰. قلعه جی، موسوعه فقه الامام علی بن ابی طالب.
۳۱. طوسی، ابوجعفر، استبصار.
۳۲. کاسانی، البدایع.
۳۳. حلی، مختصر نافع.
۳۴. شلتوت، محمود، الفتاوی، قاهره، دار الشروق.
۳۵. بدران، ابوالعین، الفقه المقارن.
۳۶. ابوزهره، محمد، الاحوال الشخصیه.
۳۷. مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۸. کتانی، محمد، معجم فقه السلف عتره و صحابه و تابعین.
۳۹. محی الدین، محمد، الاحوال الشخصیه.
۴۰. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلته.
۴۱. قرضاوی، یوسف، فی فقه الاولیات، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱.

یک طرف و درون مایه های فقه از طرف دیگر و مقتضیات و واقعیت‌های زمانه از جانب سوم همراه و هماهنگ گردد؛ چراکه در نظام دینی قانونی در عین راهکار بودن برای مشکلات زمان، نماد و جلوه فقه و به تعبیری نماینده آن در ساحت‌های اجرایی است. می‌توان فراتر رفت و گفت: دمیدن روح تعزیرات در قالب‌های قانونی حتی نباید منفک و منزوی از بخش‌های دیگر نظام دینی به انجام برسد. قانون، تنها هنگامی از پس وظایف کلی تر و کلان تر خود برمی آید که در دل نظام دینی و نه به عنوان بخشی جدا افتاده از آن شکل گیرد و در نتیجه با یک‌تازیهای خود فضای تنفس را از دیگر بخش‌های نظام بستاند و فرصت ایفای نقش و تعامل را به قسم‌های سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و عرفانی ندهد.

این کتاب به بررسی محورهای قابل توجهی از این حوزه مطالعاتی چند بعدی پرداخته است. تبیین معنای تعزیر و تفاوت شناسی آن با واژگان هم‌افق، قلمرو شناسی مفهومی تعزیرات و بررسی موارد آن، ارتباط تعزیرات با حکومت و بررسی اختیارات حکومتی در این زمینه، احکام تعزیر در حوزه اجراء احکام آن از نظر سقوط یا اسقاط، ضوابط و شرایط این کیفر مهم شرعی و... مباحث جالب توجهی است که در این کتاب به گونه ای سودمند مطرح شده است.